

آشای گریک ها

علیرضا پور بزرگ وانی

[شرح حال شهید امیر سر لشگر
شهید رسول عبادت]

حدیث ماندگاری

جلد هجدهم

انتشارات سوره سبز

www.ketab.ir

نویسنده: علیرضا پوربزرگ وافی

ناشر: سوره سبز

ویراستار: شعاع الدین فلاح دوست

مدیر تولید: محسن صادق نیا

مدیر هنری: جیهه هنرهای زیبا- مجتبی صالحی

صفحه آرایی: آذر زینی طلابری

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۰-۱۴-۵

قیمت: ۳۳۰۰ تومان



انتشارات سوره سبز

- سرشناسه
- پوربزرگ وافی، علیرضا. ۱۳۳۳ -
- عنوان و نام پدیدآور
- اشیانه گرگ ها / علیرضا پوربزرگ وافی.
- مشخصات نشر
- تهران: سوره سبز، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری
- ۱۶۰ ص.
- شابک
- ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۰-۱۴-۵
- وضعیت فهرست‌نویسی
- فیبا
- موضوع
- جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان
- داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
- رده بندی کنگره
- ۱۳۹۰ ق ۴ / ۵۲۵۳ س / PIR ۷۵۵۱
- رده بندی دیویی
- ۸ فا ۳ / ۶۲
- شماره کتبشناسی ملی
- ۲۵۹۱۳۵۰

تلفن مراکز پخش:

۰۲۱ / ۲۶۲۰۲۹۴۷ - ۸

۰۹۱۳۵۱۳۱۲۶۸

Sooresabz@yahoo.com

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
۱۳	آشیانه گرگ ها - ۱
۱۶	آشیانه گرگ ها - ۲
۲۴	آشیانه گرگ ها - ۳
۲۸	آشیانه گرگ ها - ۴
۳۶	آشیانه گرگ ها - ۵
۴۴	آشیانه گرگ ها - ۶
۵۳	آشیانه گرگ ها - ۷
۶۲	آشیانه گرگ ها - ۸
۷۰	آشیانه ی گرگ ها - ۹
۸۱	آشیانه گرگ ها - ۱۰
۹۲	آشیانه گرگ ها - ۱۱
۱۰۲	آشیانه گرگ ها - ۱۲

۱۱۰.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۳
۱۲۰.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۴
۱۲۸.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۵
۱۳۸.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۶
۱۴۶.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۷
۱۵۳.....	آشیانه گرگ‌ها - ۱۸

www.ketab.ir

سخن ناشر

سی سال پیش ... انگار همین دیروز بود که صدای ناسازی، نواخت آهنگ زندگی مان را که با ساز انقلاب تازه کوک شده بود، بر هم زد. صدای ناهنجاری که خواب کودکان مان را در آغوش مادران ترس دیده هراسان کرد.

به یاد صحنه‌های غریب زندگی در جشن مهرگان خرمشهر در جنگ و کوچ اجباری هم‌وطنان مان از آبادان سرسبز که با غرش هواپیماهای جنگنده و گلوله‌های خصم به عزا بدل شد.

وقتی اولین روز مهر سال ۱۳۵۹، با صدای جنگ چشم باز کردیم، جز آتش و دود، خاک و خون و گودال‌هایی که همسایگان بی‌گناه را در خودش می‌بلعید، چه دیدیم؟

انگار همین دیروز بود که آرامش از کوچه‌های مهرمان دامن کشید و صدای آژیر آمبولانس‌ها، سفیر مرگ را در خیابان‌های شهرهایمان همراهی می‌کرد. بچه‌هایی که صبح در میانه‌ی راه با رنگی پریده به خانه بازگشتند، در همان خانه یا در راه مدرسه زیر

خاک مدفون شدند و اگر زنده ماندند دیگر آن خانه و مدرسه را ندیدند.

خیلی‌ها پس از سال‌ها به نزدیکی پل خرمشهر که رسیدند ساعت‌ها میان کوجه‌های ویران شده و خیابان‌های بی پلاک سرگردان و متحیر ماندند. خیلی‌ها نتوانستند خانه‌هایشان را پیدا کنند، هیچ نشانه‌ای نبود. روی تلی از ویرانه‌ها نومیدانه با شک و تردید به دنبال گذشته‌ی خود می‌گشتند و کلامی برای نجوا با ویرانه‌ها نمی‌یافتند. از آن خانه‌های بزرگ با آدم‌های مهربان، تنها دیواری مخروب مانده بود، دیواری که روزگاری خانواده‌ای به آن تکیه داده بود.

چقدر به آن دیوارها خیره ماندند!

انگار چشم‌هایشان شهید شده بود!

راستی چه کسانی دیوارها را از دشمنی‌ها پاک کرده بودند؟

جنگ با همه‌ی چهره‌های سیاهش، سپیدی‌هایی هم داشت، گوشه‌ی بزرگی از آن سپیدی، نترسیدن‌های مردانی بود از جنس صفوی سُهی‌ها، هداوند میرزایی‌ها، شریف‌آشراف‌ها، حسین ادیبان‌ها، پرویز مدنی‌ها و ... که کوه وار و سینه ستبر برجسته‌ترین قانون فاحش جنگ را آفریدند که همانا شهادت نام داشت.

مردانی مرد و آشنای درد که آسیمه سر رفتند و ترس از متلاشی شدن پیکرهایشان نداشتند. مردانی که در دامان پاک مادران دیروز متولد شدند، رشد کردند و حماسه‌ها آفریدند و اینک تنها یادی از آنان بر جای مانده، تازه اگر ...؟!

و ما که نمی‌خواهیم فراموش‌شان کنیم، رسالتی به قدر بضاعت مان بر دوش خود گذاشته‌ایم. باشد تا این نسل، نسل به اصطلاح خودشان "سوخته" آگاه شوند از تفاوت دیروز و امروزشان. دیروزی که دیگر نیست و امروزی که می‌شود دید و فهمید تا دنیایی را که دیگر هدف، دفاع، اندیشه و رنج‌های انسانی برایش مضحک، مرده و بی‌معناست.

نمی‌خواهیم تلنگر بیداری باشیم و قصد تحمیل هیچ تفکری را نیز به جامعه نداریم. تنها تعریفی است از "هست" هایی که مظلومانه زیر پوست عجیب و غریب زندگی امروز پنهان مانده‌اند.

"سوره سبز" با اقتدا به روان پاک شاهدان هشت سال دفاع و تحیت و احترام به صبوری و سکوت مردانه‌ی جانبازان بزرگوار که اینک پشت خاکریزهای "درد" سنگر گرفته‌اند ضمن تقدیر از زحمات امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان (فرمانده نیروی زمینی ارتش)، سرهنگ ستاد مجتبی جعفری (رئیس سازمان ایشارگران

نزاچا)، سرهنگ شعاع الدین فلاح دوست و سرهنگ احمد حیدری،
به قلم تنی چند از نویسندگان و کوشندگان نستوه امروز که
عقدہ‌های‌شان را انشا کرده اند، به معرفی چند پیکر تشییع شده و
تشییع نشده می‌پردازد که:

با سپاس از این عزیزان؛ دستانی سبز؛ روزگاری آبی؛ و خاطری
آسوده برایشان آرزومند است.

انتشارات سوره سبز

www.ketab.ir

مقدمه

مطالب این کتاب حاصل مصاحبه هایی است که در دوران طلایی فرهنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران (ستاد حمایش شهود بر حماسه‌ی شهید) با افراد زیرین انجام شده و پس از سالها به همت سازمان ایثارگران نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به زیور طبع آراسته گردیده است.

پیشاپیش از همکاریهای بی دریغ همه مصاحبه شونده‌ها و حماسه پردازان این کتاب کمال تشکر را دارم و امیدوارم با تألیف این کتاب بخشی از دین خود را به شهید بزرگوار سرلشکر رسول عبادت ادا کرده باشیم.

علیرضا پور بزرگ وافی

اسامی به ترتیب مصاحبه و مطالب آورده در کتاب:

نام و نشان	رد	نام و نشان	رد
خانم اکرم اورنگی نژاد	۱۱	سپهد شهید علی صیاد شیرازی	۱
سروان الیاسی	۱۲	خانواده محترم شهید عبادت	۲
کارمند ابراهیم صمدی	۱۳	بهرام صادقی	۳
تمیسار رحیم ابراهیمی	۱۴	سرهنک نیک نظر	۴
سرهنک عباس مال میر	۱۵	سرهنک علی اکبر دانشگر	۵
تمیسار سیاوش جوادیان	۱۶	تیمسار زین العابدین مرادی	۶
تمیسار رحیم رحمانی	۱۷	حجت الاسلام محمد افتخاری	۷
تمیسار ابراهیم دستمزد	۱۸	تمیسار احمد دادبین	۸
تمیسار فرج الله علیخانی	۱۹	حجت الاسلام ابراهیم زاده	۹
تمیسار غضنفر آذر فر	۲۰	سروان حاتم یاوریان	۱۰